

پیامدهای تنبیه بدنی کودکان توسط والدین در محیط خانه و خانواده

محمدرضا تمنائی فر

استادیار روانشناسی دانشگاه کاشان.

فاطمه سلامی محمدآبادی

کارشناس ارشد روانشناسی دانشگاه کاشان.

سمیه دشتبان زاده

کارشناس ارشد روانشناسی دانشگاه کاشان.

چکیده

طرز رفتار بزرگسالان اثر عمیقی بر شخصیت کودکان و عادات کسب شده توسط آنها دارد. تنبیه به معنای آگاهانیدن، بیدار کردن، واقف گردانیدن به چیزی و آگاه و هوشیاری کردن آمده است. تنبیه بدنی به معنای استفاده از نیروی فیزیکی جهت ایجاد درد بدون صدمه، به منظور تربیت (تصحیح یا کنترل رفتار) کودک می باشد. تنبیه بدنی یک نوع کودک آزاری و شایع ترین نوع خشونت در خانواده است که موجب نقض حقوق کودک می شود. معمولاً روان شناسان تنبیه بدنی را جایز نمی دانند. تنبیه بدنی دارای اثرات مخرب کوتاه و بلند مدت بر جسم و روح کودک می باشد و عوارض نامطلوبی همچون ترس، عدم یادگیری رفتار درست، توجیه صدمه زدن به دیگران، پرخاشگری نسبت به عامل تنبیه کننده، جانشین شدن یک پاسخ نامطلوب به جای پاسخ نامطلوب دیگر و الگو برداری از آن توسط دیگران را به همراه دارد.

پژوهش ها حاکی از آن است که مادران خانه دار و دارای سطح تحصیلات پایین، بیشتر از تنبیه بدنی استفاده می کنند و مشکلات رفتاری مثل پرخاشگری عملی و کلامی، گوشه گیری و عدم همکاری در کودکانی که توسط والدین تنبیه می شدند نسبت به آنها که تنبیه نمی شدند بیشتر می باشد. بنابراین، آموزش اثرات بد تنبیه بدنی بر جسم و روح کودک به والدین و نیز آموزش روش های تربیتی مثبت به آنها می تواند در کاهش استفاده از تنبیه بدنی به عنوان یک روش تربیتی موثر باشد علاوه بر این، بهتر است از روش های جانشین تنبیه همچون اشباع، گذشت زمان، تقویت رفتار ناهمساز و نادیده گرفتن استفاده کرد. واژگان کلیدی: تنبیه بدنی؛ خانواده؛ کودک؛ والدین.

مقدمه

یکی از مسائل مهم و همیشه مطرح در خانواده ها، تنبیه و تنبیه بدنی است. تنبیه و تشویق، دو بازوی تعیین کننده روش های فرزند پروری اند که اگر چه هیچ کدام فی نفسه خوب یا بد نیستند،

اما مناقشه و حساسیت بر سر تنبیه بدنی است. به هر حال این مسئله نیز مثل سایر مسائل پرورش فرزند قابل تأمل و بررسی است.

پر واضح است که تنبیه بدنی، در صورت استفاده افراطی و حساب نشده آخرین و بی‌اثرترین نوع آگاهی دادن است که قطعاً آثار زیان بخش جسمی و روانی زیادی بر آن مترتب است (افشاری، ۱۳۸۵: ۳۳). علی‌رغم افزایش آگاهی از خطرات تنبیه جسمی، استفاده از آن به طور شایع به عنوان یک روش پذیرفته شده و در بعضی موارد ضروری برای تربیت کودک ادامه دارد. پژوهش حاضر با هدف بررسی پیامدهای تنبیه و بالاختص تنبیه بدنی کودک توسط والدین انجام شد.

مفهوم تنبیه

«تنبیه»^۱ در لغت، یک مصدر متعددی از واژگان زبان عربی است و به معنی بیدار کردن و هوشیار ساختن می‌باشد و در اصطلاح به عملی گفته می‌شود که لازمه آن آگاه و هوشیار کردن باشد و به سه معنا به کار می‌رود (ابوالقاسمی و داودی، ۱۳۸۹: ۱۲۸).

اسکینر^۲ معتقد است که تنبیه زمانی رخ می‌دهد که پاسخ چیز مثبتی را از موقعیت حذف می‌کند یا چیزی منفی به آن می‌افزاید. در واقع، تنبیه دور ساختن چیزی از ارگانیسم^۳ (موجود زنده) است که خواستار آن است یا دادن چیزی است به کسی که طالب آن نیست. تنبیه به این معنا را به عنوان تنبیه به معنای عام می‌گوییم (سیف، ۱۳۷۴: ۳۹۲).

ارائه پاسخ منفی به ارگانیسم. تنبیه عبارت از: ارائه یک محرک آزارنده (تقویت کننده منفی) به دنبال یک رفتار نامطلوب برای کاهش دادن احتمال آن رفتار. اگر پس از انجام رفتاری نامطلوب از سوی کودک، مثلاً گفتن یک حرف زشت، با ارائه یک محرک آزارنده مثل سیلی زدن به او بخواهیم بروز رفتار نامطلوب را در او کاهش دهیم، او را تنبیه کرده‌ایم. تنبیه به این معنا را تنبیه به معنای خاص می‌گوییم (سیف، ۱۳۸۷: ۵۷۵).

تنبیه بدنی^۴ یا کتک زدن. گاهی مراد از تنبیه به همین معناست که ما آن را تنبیه به معنای اخص می‌گوییم. روشن است که طبق معنای اول، تنبیه طیف وسیعی را در بر می‌گیرد که عبارت است از: تغافل، بی‌اعتنائی، تهدید، تحقیر، سرزنش، تمسخر، محروم سازی، جریمه، جبران، تغییر چهره، روی برگرداندن و تنبیه بدنی. اما بر طبق معنای دوم، تنبیه دیگر شامل تغافل، بی‌اعتنائی، محروم سازی و به عبارت دیگر، حذف تقویت مثبت نمی‌شود. آنچه از میان این معنایی سه گانه مورد تردید و بحث واقع شده است، قسم سوم یا تنبیه به معنای اخص است (حسینی‌زاده، ۱۳۷۷: ۲۵).

در روان‌شناسی، تنبیه ابزار مناسبی برای تغییر در رفتار و یادگیری به حساب نمی‌آید. در پژوهش‌هایی که ژندایک^۵ انجام داد به این نتیجه رسید که همان‌گونه که تقویت، رفتار مثبت را افزایش می‌دهد، تنبیه، رفتار منفی را کاهش نمی‌دهد. اسکینر هم بر این باور است که تنبیه در دراز مدت بی‌تأثیر است. چنین به نظر می‌رسد که تنبیه صرفاً رفتار را واپس می‌زند و زمانی که دیگر تهدید و تنبیه وجود نداشته باشد، نرخ پاسخ به میزان اولش باز می‌گردد. بنابراین، گرچه در تنبیه اغلب موثر به نظر می‌رسد، در واقع تنها اثری نا پایدار به جای می‌گذارد (آقا یوسفی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۳۷).

پیامدها و مشکلات ناشی از کاربرد تنبیه

تنبیه‌بدنی یک نوع کودک‌آزاری و خشونت در خانواده است که موجب نقض حقوق کودک می‌شود و دارای اثرات سوء کوتاه مدت و بلند مدت بر روح و جسم کودک می‌باشد (Lopez, 2000, 67).

مسائل مربوط به خطرات تنبیه جسمی کودکان از حدود قرن هیجدهم شروع شده است. اما تنبیه جسمی به صورت جدی اولین بار در سال ۱۹۶۰، زمانی که دکتر هنری کمپ و همکارانش متوجه شدند که اکثر شکستگی‌های مشاهده شده در کودکان ناشی از کتک خوردن آنها توسط والدین می‌باشد، بیشتر مورد توجه قرار گرفت. آنها این پدیده را سندرم کودک کتک خورده نامیدند (اصطلاحی که مسائلی مانند غفلت، آزار جسمی و آزار روحی را در بر می‌گیرد). تحقیقات اخیر نشان داده‌اند که اکثر موارد کودک‌آزاری جسمی در اثر اقدامات والدین برای تنبیه جسمی کودکان به وجود می‌آید، به گونه‌ای که والدین حین تنبیه کودک کنترل خود را از دست داده و به صورت غیر عمدی شدت فیزیکی تنبیه را زیاد می‌نمایند و یا میزان قدرت خودشان را کم تخمین می‌زنند و به این ترتیب باعث بروز آسیب‌های جسمی برای کودکان‌شان می‌شوند. بیش از ۹۰٪ والدین که مبادرت به بد رفتاری با کودک خود می‌کنند نه از نظر جسمی مشکلی دارند، نه از نظر شخصیتی جنایتکارند و نه سایکوتیک هستند، بلکه افرادی هستند که خود تحت تأثیر تنش و استرس شدیدی قرار داشته و در حالت خشم به کودکان خود آسیب می‌رسانند (قاسمی، ۱۳۸۶: ۶۰).

در واقع تنبیه جسمی به جز احتمال آسیب‌های جسمی اغلب دارای یک بار عاطفی هم برای کودک و هم برای والدین است. بزرگ‌ترین اشکال تنبیه این است که رفتار نامطلوب را از بین نمی‌برد، بلکه آن را موقتاً واپس می‌زند. این رفتار پس از ضعیف شدن عامل تنبیه کننده مجدداً ظاهر می‌گردد. (Lopez, 2004: 100).

از مشکلات دیگر استفاده از تنبیه، پیامدهای جانبی آن است که یافته‌های پژوهشی نیز به آن اذعان دارند. یکی از آنها این است که احساس ناخوشایند حاصل از تنبیه در لحظه تنبیه شدن، از طریق شرطی شدن کلاسیک، با شرایط تنبیهی و شخص یا اشخاص تنبیه کننده تداعی می‌شوند و سبب انزجار و نفرت تنبیه شونده از تنبیه کننده می‌گردند. مشکل دیگر استفاده از روش تنبیه آن است که تنبیه کردن عملی مسری است. مطالعات نشان می‌دهند کسانی که شاهد تنبیه شدن افراد به وسیله دیگران بوده‌اند در مواقع و مکان‌های دیگر خود به تنبیه کسان دیگر اقدام کرده‌اند. بارها دیده شده کودکانی که مرتباً از پدر یا مادر خود کتک می‌خورند، در غیاب آنها به کتک زدن فرزند کوچک‌تر خانواده می‌پردازند. از اشکالات دیگر کاربرد تنبیه و سایر روش‌های تنبیهی تغییر رفتار این است که اگر این روش‌ها ادامه یابند فرد تنبیه شده ممکن است سرانجام به تنبیه کننده حمله‌ور شود. مثلاً نوجوانی که از کودکی از پدر خود کتک می‌خورده ممکن است سرانجام در برابر او بایستد (سیف، ۱۳۸۹: ۵۷۷).

اسکینر بر این باور است که تنبیه در دراز مدت بی‌تأثیر است. به نظر او تنبیه صرفاً رفتار را واپس می‌زند و زمانی که دیگر تهدید به تنبیه وجود نداشته باشد، نرخ پاسخ به میزان اولش باز می‌گردد. دلایل مخالفت اسکینر با تنبیه به دلایل زیر می‌باشد.

تنبیه آثار جانبی هیجانی نامطلوب به بار می‌آورد. ارگانسمی که تنبیه می‌شود، می‌ترسد و این ترس به محرک‌های مختلفی که هنگام تنبیه او حضور دارند، تعمیم می‌یابد.

تنبیه به ارگانسیم نشان می‌دهد که چه کار نکند، نه اینکه چه کار بکند. در قیاس با تقویت، تنبیه هیچ‌گونه اطلاعاتی در اختیار ارگانسیم نمی‌گذارد.

تنبیه صدمه زدن به دیگران را توجیه می‌کنند. این البته در پرورش کودکان بیشتر صادق است. وقتی کودکان تنبیه می‌شوند، تنها چیزی که می‌آموزند این است که در بعضی موقعیت‌ها صدمه زدن به دیگران جایز است.

کودک با قرار گرفتن در موقعیتی که بتواند در آن رفتار قبلاً تنبیه شده خود را انجام دهد، بدون اینکه برای آن تنبیه شود، ممکن است وادار به انجام دادن آن رفتار شود. بنابراین، در غیاب عوامل تنبیه کننده، ممکن است کودکان فحش بدهند، با بزرگترها بی‌ادبانه رفتار کنند، به بچه‌های کوچک‌تر آزار برسانند و ... این کودکان آموخته‌اند که در حضور عوامل تنبیه کننده، این رفتارها را واپس بزنند، اما دلیلی نمی‌بینند که در غیاب عوامل تنبیه کننده این رفتارها را انجام ندهند (آقا یوسفی و همکاران، ۱۳۸۶: ۲۳۷).

تنبیه در شخص تنبیه شده نسبت به عامل تنبیه کننده و دیگران پرخاشگری ایجاد می‌کند. تنبیه اغلب یک پاسخ نامطلوب را جانشین پاسخ نامطلوب دیگری می‌کند. برای نمونه شخصی که برای دزدی تنبیه می‌شود، ممکن است پرخاشگر شود و در فرصت مناسب به جرایم سنگین‌تری دست بزند.

یکی دیگر از پیامدهای نامطلوب تنبیه این است که فرد تنبیه شده برای فرار از تنبیه، ممکن است به رفتاری که تنبیه به دنبال دارد، نپردازد و رفتارهای دیگری را جانشین آن کند. مانند خیال پردازی یا رویاهای روزانه (ابوالقاسمی و داودی، ۱۳۸۹: ۱۳۲).

بسیاری از مطالعات جرم‌شناسی نشان داده‌اند که کودک بزه دیده امروز، نوجوان یا جوان بزه‌کار فردا خواهد بود. صاحب نظران، افزایش آزار و اذیت کودکان را تابعی از افزایش نرخ خشونت در جامعه و رفتار جمعی دانسته‌اند (Lazeler, 2002:45). در تحقیق کر و همکاران دیده می‌شود کودکانی که توسط والدین مورد تنبیه قرار گرفته بودند رفتارهای برون فکنی بیشتری از خود نشان می‌دهند (kerr, 2002:369). نتایج پژوهش قاسمی و همکاران نشان داد که تنبیه بدنی بیشتر توسط مادران با سطح تصحیلات پایین‌تر و غیر شامل و در کودکان با رتبه تولد بالاتر انجام می‌شود. این امر می‌تواند به علت عدم آگاهی این مادران از اثرات سوء تنبیه بدنی، روش‌های تربیتی مناسب و طولانی بودن زمانی که مادران خانه دار با کودک می‌گذرانند، باشد. همچنین نتایج نشان داد کودکانی که تنبیه می‌شدند میانگین نمره مشکلات رفتاری چون پرخاشگری عملی، پرخاشگری کلامی و گوشه‌گیری به طور معنی داری بالاتر از میانگین نمره کودکانی بود که توسط والدین تنبیه بدنی نمی‌شدند. افزون بر این میانگین همکاری در کودکانی که تنبیه می‌شدند نسبت به آنهایی که تنبیه نمی‌شدند به طور معنی داری کمتر بود. همچنین نتایج نشان داد در میان کودکانی که فقط توسط یکی از والدین تنبیه می‌شدند، مادران بیشتر از پدران کودکان را تنبیه کرده بودند. اما در مواردی که هر دو والد کودک را تنبیه کرده بودند، پدران بیشتر از مادران کودک را تنبیه می‌کردند، می‌توان نتیجه گرفت مادران در این شرایط تنبیه را به پدر واگذار می‌کنند. در تحقیق فیجویردو و همکاران نیز کودکان بیشتر توسط پدر تنبیه شده بودند. با توجه به زبان‌های متعدد ناشی از کاربرد تنبیه و سایر روش‌های تنبیهی بالاخص تنبیه بدنی، بهتر است هرگز از آن‌ها به عنوان روش‌های پرورشی استفاده نکنیم و به جای آن‌ها از روش‌های مثبت و منفی کاهش رفتار استفاده کنیم (Figueiredo, 2004:76).

اصول و شرایط تنبیه

برخی والدین معتقدند که در بعضی از موقعیت‌ها باید کودک را تنبیه کنند، به خصوص زمانی که می‌خواهند به کودک بیاموزند که از اشیاء خطرناک بپرهیزند یا نگذارند که مثلاً وسط خیابان برود. تنبیه ممکن است عواقب منفی داشته باشد ولی برای کاهش واکنش‌های نامطلوب و تشویق خویش‌داری و رفتار اجتماعی مناسب مؤثر است. برای رسیدن به این اهداف تنبیه باید مطابق اصول از پیش تعیین شده‌ای اعمال شود. اول اینکه زمان تنبیه اهمیت بسیاری دارد؛ هر قدر بین تنبیه و رفتار نامطلوب فاصله کمتری باشد، تنبیه مؤثرتر خواهد بود. بهترین زمان برای متوقف کردن رفتار غیر قابل قبول، درست قبل از وقوع آن است. برای مثال، اگر بچه‌ای می‌خواهد مدام وسط خیابان برود، بهترین موقع برای تنبیه او زمانی است که می‌خواهد به این کار اقدام کند. دوم اینکه، تنبیه از سوی والدین مهربان بیشتر احتمال دارد که به نتیجه مطلوب بیانجامد تا از سوی والدین سرد و خشن. سوم، اگر هدف سرکوب یا خاموشی اعمال غیر قابل قبول است، باید در تنبیه ثبات قدم داشت. اگر در تنبیه ثبات قدم نداشته باشیم یعنی رفتار خاصی را گاهی سرزنش کنیم و گاهی ندیده بگیریم؛ رفتار نامطلوب کودک پا بر جا می‌ماند. والدین نوجوانان بزهکار و پسران بسیار پرخاشگر در مقایسه با والدین نوجوانان غیر بزهکار به هنگام اعمال تنبیه و پاداش کمتر ثبات قدم دارند. بر طبق اصل حداقل و کافی، تنبیه رفتار منع شده باید فقط در حدی باشد که کودک وادار به اطاعت شود. تنبیه شدید ممکن است کودک را وادار به اطاعت از قواعد کند، ولی در ضمن در او ایجاد خشم و ترس می‌کند و به همین دلیل سبب می‌شود که کودک در برابر پذیرش و درونی کردن قواعد مقاومت کند. منع و تنبیه کودک در صورتی که با توضیح و استدلال همراه باشد، بیشترین تأثیر را خواهد داشت. کودک بیشتر احتمال دارد که چنین حرفی را بپذیرد «نباید وسط خیابان بروی چون زیر ماشین می‌روی» تا اینکه به او صرفاً قواعد را گوشزد کنیم، «وسط خیابان بازی نکن» توضیحات باید کوتاه باشد و با واژگان کودک و سطح رشد شناختی او تناسب داشته باشد.

این اصول که در بسیاری از خانواده‌ها به عنوان روش انضباطی اعمال می‌شود «محروم کردن» نامیده می‌شود. کودک از عملی بازداشته می‌شود به این نحو که برای مدت کوتاهی او را

جایی می‌نشانند به طوری که هیچکس به او توجهی نکند. این عمل را می‌توان به آرامی و به سرعت انجام داد؛ می‌توان علت این کار را به روشنی برای کودک توضیح داد، این کار از لحاظ عاطفی و فیزیکی به کودک آسیبی نمی‌رساند. (ماسن و همکاران، ۱۳۸۰: ۵۴۳).

جانشین‌های تنبیه

تحقیقات نشان داده رفتار گرم، محبت‌آمیز و مسئولانه والدین به همراه استفاده کمتر از تنبیه بدنی با کاهش مشکلات رفتاری در کودکان ارتباط مستقیم دارد و برعکس استفاده از تنبیه بدنی با افزایش مشکلات رفتاری و برون‌فکری و پرخاشگری در کودکان همراه می‌باشد. رفتارهای نامطلوب کودک را از دو راه می‌توان کاهش داد: یکی جانشین ساختن رفتارهای مطلوب به جای آنها و کاهش دادن غیر مستقیم رفتارهای نامطلوب و دیگری کاهش دادن مستقیم رفتارهای نامطلوب. به روش‌هایی که در مورد اول به کار می‌روند روش‌های مثبت کاهش رفتار می‌گویند و روش‌هایی که در مورد دوم به کار می‌روند، روش‌های منفی کاهش رفتار نام دارند که در ذیل به شرح مختصر آنها می‌پردازیم.

الف) روشهای مثبت

روش تقویت تفکیکی رفتارناهمساز (DRI)^۷

روش تقویت تفکیکی رفتارهای دیگر (DRO)

روش تقویت رفتار با نرخ کم (DRL)^۸

روش اشباع

ب) روشهای منفی

روش‌های کاهش رفتار

خاموشی^۹

محروم کردن^{۱۰}

جریمه کردن^{۱۱}

جبران کردن^{۱۲}

تنبیه کردن

هرچند والدین گاهی فکر می‌کنند که تنبیه لازم است، به اعتقاد روان‌شناسان روش‌های انضباطی غیرتنبیهی ترجیح دارد. تنبیه همراه با استدلال، مؤثرتر از تنبیه صرف است و در کودک تأثیرات با ثباتی می‌گذارد (ماسن و همکاران، ۱۳۸۰: ۵۴۵). از آنجاییکه تنبیه یک کار تأدیبی است و یک روش تربیت منفی به شمار می‌رود؛ پس بهتر است کمتر مورد استفاده قرار گیرد. اما این نکته را نباید فراموش کنیم که بهترین راه از بین بردن عادت نامطلوب، نادیده گرفتن آنهاست. اسکنیر معتقد است که احتمالاً بهترین فرآیند جانشین برای تنبیه، خاموشی است. این روش زمان بر است، اما از فراموشی طبیعی بسیار سریعتر اتفاق می‌افتد و این روش دارای عوارض نامطلوب کمتری است (ابوالقاسمی و داودی، ۱۳۸۹: ۱۳۹).

نتیجه‌گیری

کودکان آسیب‌پذیرتر از سایر افراد جامعه هستند. بد رفتاری با کودک، طیف وسیعی از رفتارهای آسیب‌رسان از قبیل برآورده نکردن نیازهای اولیه، تنبیه کلامی، تنبیه جسمی، آزار و اذیت عاطفی و سوءاستفاده جنسی را شامل می‌شود. تنبیه باید با احتیاط اعمال شود؛ زیرا ممکن است عوارض جانبی نامطلوبی در برداشته باشد. تنبیه شدید ممکن است آنچنان اضطرابی در کودکان ایجاد کند که نتوانند آن درسی را که قرار بوده از تنبیه بگیرند بیاموزند. علاوه بر این، کودکان به عنوان واکنشی در برابر تنبیه که از نظر آنان ناعادلانه است از والدین تنبیه‌کننده پرهیز می‌کنند و در نتیجه آنان چندان امکانی برای هدایت کودک نخواهند داشت، همچنین والدین تنبیه‌کننده الگوی‌های پرخاشگری می‌شوند. کودکی که مدام سیلی می‌خورد و یا بر سر او داد و فریاد می‌کنند ممکن است در ارتباط با همسالان خود نیز چنین رفتارهایی از خود نشان دهد. با اینکه هیچ تحقیقی اثرات مفید استفاده از تنبیه‌بدنی را در کودکان نشان نداده، استفاده از آن هنوز ادامه دارد که می‌تواند به دلیل فرهنگی و اعتقادات سنتی مربوط به نقش‌ها و مسئولیت‌های والدین، تجربه تنبیه شدن والدین در کودکی و ناآگاهی آنها در مورد ماهیت و رشد تکامل کودکان باشد. آگاهی والدین از مراحل تکاملی نیز در چگونگی پاسخ دهی آنها به کودکان تأثیرگذار است. اگر والدین رفتار منفی را به عنوان جزئی از مراحل تکاملی وی بپذیرند، نه به عنوان یک خصومت منفی دائمی شخصیتی، ممکن است واکنش

متفاوتی از خود نشان دهند. علی‌رغم افزایش آگاهی از خطرات تنبیه جسمی و بدنی، استفاده از آن به طور شایع به عنوان یک روش پذیرفته برای تربیت کودکان ادامه دارد. می‌توان نتیجه گرفت که والدین به یک سری آگاهی و پیشنهادات در مورد تغییر روش‌های تربیتی به منظور عدم استفاده از تنبیه بدنی نیاز دارند. در برخورد با کودک، توجه به سن و سطح تکاملی کودک مهم است. تنبیه بدنی کودکان باید نفی شود و استفاده از آن به حداقل برسد. تکنیک‌های مثبت تربیتی (گذاشتن قوانین و محدودیت و برخورد قاطعانه و یکسان با اشتباهات و رفتار نامناسب کودک، تکنیک تقویت مثبت، گوشزد کردن نتیجه رفتار بد به کودک، عنوان کردن رفتار کودک به عنوان مشکل نه خود کودک، توضیح به کودک که چرا یک رفتار اشتباه است) نسبت به تنبیه بدنی نیاز به زمان و حوصله بیشتری دارد اما نتایج آن بسیار بهتر است

بنابراین، تا آنجا که ممکن است برای تربیت کودک بهتر است به جای تنبیه از روش‌های دیگر تغییر و اصلاح رفتار، که برخی از آنها به راحتی قابل انجام است، استفاده کرد. برای مثال، بی تفاوتی و بی‌توجهی به رفتار، محروم کردن کودک از برخی امتیازات، صبر و تحمل رفتار نامطلوب و حل آن توسط زمان، تقویت رفتار ناهمساز با رفتار نامطلوب و انواع دیگر جانشین‌های تنبیه، روش‌های مطلوب تغییر رفتار می‌باشند. از آنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت، آموزش اثرات بد تنبیه بدنی بر جسم و روح کودک به والدین و نیز آموزش روش‌های تربیتی مثبت موجب کاهش استفاده از تنبیه بدنی خواهد شد.

یادداشت‌ها

1. Punishment.
2. Skinner.
3. Organism.
4. Corporal punishment
5. Thorndik.
6. Time out.
7. Differential reinforcement of in compatible behavior
8. Differential reinforcement Low rates of behavior
9. Extinction
10. timeout
11. Respons cost
12. Restitutional

منابع

- ابوالقاسمی، شهنام و تمنا داودی، «تنبیه از دیدگاه روان‌شناسی و اسلام»، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال دوم، شماره دوم، ۱۳۸۹.
- افشاری، علی، «بررسی نقش و جایگاه تنبیه و تنبیه‌بدنی در آموزش و پرورش»، پیوند، شماره ۳۲۰.
- آقا یوسفی، علیرضا و همکاران، روان‌شناسی عمومی، تهران، انتشارات پیام نور، ۱۳۸۶.
- حسینی‌زاده، سیدعلی، «تنبیه از دیدگاه اسلامی»، فصلنامه حوزه و دانشگاه، شماره ۱۴ و ۱۵، ۱۳۷۷.
- سیف، علی اکبر، تغییر رفتار و رفتار درمانی، تهران، انتشارات دانا، ۱۳۷۴.
- سیف، علی اکبر، روان‌شناسی پرورشی، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۸۷.
- قاسمی، فاطمه، فاطمه ولی‌زاده، طاهره طولایی، ماندانا ساکی، «بررسی برخی مشکلات رفتاری ناشی از تنبیه‌بدنی توسط والدین در کودکان دبستانی»، یافته، دوره نهم، شماره ۴، سال ۱۳۸۶.
- ماسن، پاول هنری، جروم کیگان، آلتا کارول هوستون، جان جین وی کانجر، رشد و شخصیت کودک، مهشید یاسایی، انتشارات ماد، ۱۳۸۰.
- Figueiredo , BBifulco, A;pavia, c.Historyof childhood abuse in poruguese parents . child Abuse Neg, 2004.
- kerr , dc;Lopes , NL; olson , sl;sameroff,AJ.parenTal Discipline and externalizing behavior problems in early childhood : The rols of moral regulation and child gender. J Abnorm child Bychol, 2004.
- Lazelere , R.E.Acomparison of Two recent reviews 13 Of scientific studies of psysical punishment by parents 2002. Http://people . biola.edu/faculty/ paulp.
- Lopez Stewart C, Lara MG, Amighetti LD, Wissow LS, Gutierrez I, Levav I, et al. Parenting and physical punishment: primary care interventions in Latin America. Rev Panam Salud Publica. 2000.
- Park, Ms.The tactors of child physical abuse in korean immigrant families.child Abuse Neg, 2001.